



اطاعت و فرمانبرداری محدود

۱۵ - وان جاهداك على ان تشرك بى ما لس لك به علم

فلا تطعهما وصاحبهما فى الدنيا عروفاً واتبع سبيل من اناب

الى ثم الى مرجعكم فأنبئكم بما كنتم تعملون .

: اگر (پدر و مادر) بتواصرار و رزند که برای من شریکی قرار دهی در

حالی که بآن علم نداری (و میدانی درست نیست) از آنها پیروی مکن.

مع الوصف - در دنیا با آنها بانیکی رفتار کن و از راه کسانی که

بسوی من رو آورده اند پیروی نما سرانجام و باز گشت شما بسوی من

است و شما را از آنچه انجام میدادید آگاه میکنم .

از آیه فوق مطالبی بشرح زیر استفاده میشود . (۱)

۱ - پدر و مادر حق اطاعت در گردن انسان دارند ولی حق آنها در این قسمت محدود

است ، یعنی او امر آنها در صورتی لازم الاجراء است که فرزندانرا به منکر دعوت نکنند مانند

د شرک ، و کلیه گناهان .

۲ - با پدر و مادر ولو مشرک باشند بایست بانیکی رفتار نمود .

۳ - از روشهای ارزنده مردان خدا بایست پیروی کرد .

۴ - سرانجام بشر بسوی خداوند است .

۵ - پرونده اعمال در روز رستاخیز مطرح است و تمام کارهای انسان اعم از نیک و بد در آن

منعکس خواهد بود . اینها فهرست مطالب آیه است اینک بشرح اجمالی هر کدام میپردازیم .

(۱) ارتباط این آیه با آیه های پیش روشن است زیرا یکی از نصائح حکیمانانه لقمان در

آیه سیزده به فرزند خود نهی از شرک بود ، و این آیه نیز در پیرامون همان موضوع بحث میکند.

اطاعت محدود

با اینکه در آیه ۱۴ دستور داده شده که فرزند از او امر پدر و مادر فرمانبرداری کند، در این آیه حدود فرمانبرداری آنها را محدود ساخته و حق حاکمیت آنها را در «شرك» بلکه مطلق گناهان سلب مینماید. نکته این مطلب روشن است، زیرا لزوم فرمانبرداری از سخنان پدر و مادر مقداری برای اینست که پدر و مادر خواهان سعادت فرزندند و بر اثر بیشتر زیستن گرمی و سردی روزگار از یاد تر چشیده اند و تجربیات خوبی در این راه اندوخته اند، ولی اگر پدر و مادر بر اثر نادانی و گمراهی، یا هوسرانی بخواهند فرزند را بلب پرتگاه بکشند، او را بانواع گناه آلوده سازند، مقام انسانی او را بقدری تنزل دهند که در برابر اجسام بی روح خاضع گردد، در این صورت جهتی برای فرمانبرداری نیست.

علی (علیه السلام) میفرماید: **ان للوالد علی الولد حقاً ... فحق الوالد ان یطیعه فی کل شیء الا فی معصیة الله** یعنی حق پدر آنست که فرزند در هر چیز جز معصیت خدا و ندادن او پیروی کند.

خصوصاً موضوع شرك، که تمام رهبران آسمانی برای مبارزه با این بیماری مبعوث شده اند، خون ملیونها خداشناس یکتا پرست در سیراب کردن درخت خدا پرستی ریخته شده، هر گز شایسته نیست که برای جهل و بیماری روحی پدر و مادر این حقوق و خدمات ضایع گردد، و کور کورانه از منطق والدین پیروی شود.

پناهگاه در مسائل اصولی منطبق و خرد است

اصولاً پناهگاه برای بشر در مسائل اصولی و اساسی عقل و خرد است، پیروی از هر مقامی ولو هر اندازه بزرگ باشد اگر توأم با منطق و استدلال نباشد از نظر اسلام بی ارزش است و در اسلام مسأله ای بالاتراز توحید و مبارزه با شرك نیست و برای توبیخ کسانی که بی فکر در این مسائل بدنبال تقلید از این و آن هستند آیه زیر نازل شده است: **ولا تقف ما لیس لك به علم ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک كان عنه مسعولاً** (اسراء آیه ۳۶) بر چیزی که آگاهی ندارید دل میندیدی بر استی گوش و چشم و قلب روز قیامت مسئولند.

دانشمند بزرگ شیعه مرحوم علامه حلی صریحاً از عموم علماء اسلام نقل مینماید که تقلید و پیروی از قول دیگران در مسائل اصولی که راه درک و فهم آن برای همه باز است، حرام است، و هر فردی بایست این رشته از مسائل را از طریق دلیل و گواه خرد بدست آورد اینک عن عبارت ایشانرا در اینجا نقل میکنیم: **اجمع العلماء علی وجوب معرفة الله و صفاته الثبوتیة و ما یصح علیه و ما یمتنع عنه و النبوة و الامامة و المعاد بال دلیل**

لا بائعنا یعنی دانشمندان اسلام با توافق آراء میگویند که هر فرد از مسلمانان بایست عقیده خود را نسبت به مسائل خداشناسی و صفات او و موضوع نبوت و امامت و معاد روی دلیل و برهان استوار سازد. هر گز جائر نیست در این مسائل تقلید نماید.

و این خود قدرت روحی و فکری و وسعت شعاع دید اسلام را میسر سازد که میخواهد جامعه انسانی در این مسائل اساسی که سعادت و شقاوت با آنها بستگی دارد خود فکر کند، و پیرو منطق و استدلال گردد، و نتیجه سطح افکار بالا برود، و یک مشت سودجو بعنوان متخصص در مسائل عقائد افکار و روح مردم را قبضه ننمایند، اسلام با کمال شهامت ب مردم در این مسائل حق دخالت و فکر داده است.

امروز دستگاہ روحانیت مسیح به پیروان خود اجازه نمیدهد که آنان در مسائل اساسی آئین مسیح مانند تثلیث و پسربودن حضرت مسیح و امثال آن، ابراز نظر کنند و مریدان را تحت عنوان اینکه اینها یک سلسله اسرار و رموز است که قابل گفتن و تشریح نیست از تفکر آزاد باز میدارند.

راستی این منطق کجا که حجاب بزرگی میان مردم و درک حقائق بوجود میآورد، منطق قرآن کجا که کسانی را که بی جهت از روش گمراه کننده پدران پیروی مینمایند چنین مذمت میفرماید:

بل قالوا انا وجدنا آباءنا علی امة وانا علی آثارهم مهتدون، و كذلك ما ارسلنا من قبلك فی قریة من نذیر الا قال ۛترفوها انا وجدنا آباءنا علی امة و انا علی آثارهم مقتدون قال اولو جئتمكم باهدىٰ ممما وجدتم علیہ آباءکم (زخرف آیه های : ۲۲، ۲۳، ۲۴)

یعنی: مشرکان آئین خرافی خود را روی تقلید از پدران توجیه میکنند و میگویند ما پدران خود را بر آئین (بت پرستی) یافتیم و از پی آنها خواهیم رفت.

(تو ای رسول خدا از جوابی که بتو میگویند دلگیر مباش) ما بنقاط مختلف پیامبرانی اعزام کرده ایم و با آنها همان جوابی را که بتو میگویند، نیز دادند، و چنین گفتند که ما پدران خود را بر آئین (بت پرستی) یافتیم و از آئین آنها پیروی خواهیم نمود.

در جواب آنها بگو اگر دینی بهتر از آنچه از پدران شما بشما رسیده بیاورم باز از آئین پدران پیروی مینمائید؟

آنان از روی لجاجت میگویند ما آئین شمارا انکار میکنیم.

پدر و مادر کافر نیز لازم الاحترامند

فرد مسلمان بایست حتی از پدر و مادر مشرک و غیر مسلمان احترام کند، و این خود یکی از دستورات جاویدان اسلام است که در این آیه عنوان شده است چنانکه میفرماید: **وصاحبهما فی الدنیا معروفا**. زیرا این طرز برخورد با پدر و مادر غیر مسلمان علاوه بر اینکه ملکه فاضله انسانی را که همان حق شناسی و احترام بصاحبان حقوق است، زنده میکند، چه بسا باعث هدایت و راهنمایی پدران و مادران گمراه میگردد. بدینی آنها را نسبت بدین اسلام از بین میبرد.

زکریا فرزند ابراهیم نقل میکند که من یک جوان مسیحی بودم و در محضر امام صادق بدین اسلام مشرف شدم، از حضرتش درباره پدر و مادر غیر مسلمانم سؤال کردم که آنها از نعمت اسلام

بی نصیب و بی پوره هستند، فرمود. تا آنجا که میتوان درباره آنها احترام کن، وی میگوید من پس از مراجعت، سفارش آنحضرت را در باره مادرم مراعات میکردم، بقدری این کردار در نظر او اعجاب آمیز بود، که از علت این تکریم زائداً لوصف سؤال نمود، و گفت توساً بق این اندازه در حق من مهربانی نمیکردی، باو گفتم، این احترام معلول آئین تازه‌ای است که بآن گرویده‌ام، او اشتیاق فراوانی به شناسائی آئین اسلام پیدا کرد، من تا آنجا که اطلاعاتم اجازه میداد در باره اسلام با او سخن گفتم، طولی نکشید که بآئین اسلام تشریف یافت. (۱)

جهاد یکی از وظائف بزرگ اسلام است؛ جوانی بطور داوطلب آماده رفتن بجهاد بود، ولی پدر و مادر او از رفتن وی فوق العاده متأثر شدند، جوان جریان را حضور پیامبر اسلام رساند، رسول اکرم فرمود: **فوالذی نفسی بیده لانسهما بک یوماً ولی الاخیر من جهاد سة**؛ بخدائی که روح من در دست او است یک شبانه روز در حضور پدر و مادر باشی و با توماً نوس شوند، بهتر از آن است که یک سال در راه خدا شمشیر بزنی (۲)

پیامبر اسلام در آخرین لحظه‌های عمر، گروهی را سفارش فرمود: از آن جمله: کارگران و پدران و مادران را بشمار آورد.

پیروی از طریقه مردان نیک

تأسی و پیروی از مردان الهی که هدفی جز رضاء خدا ندارند از دستورات اسلام است و در این آیه نیز اشاره بآن شده است. چنانکه میفرماید: **واتبع سبیل من اناب الی**. و این غیر تقلید کورکورانه است، بلکه پیروی از اعمال مردانی که مرد حقند: وصحت و نیکوئی کردار آنها مشهود خرد است و از این دستورات در قرآن زیاد است.

۱- **واتبع ملة ابراهیم حنیفاً** (نساء آیه ۱۲۵) از روش توحید خالص ابراهیم پیروی نما.

۲- **الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه** (زمر آیه ۱۸) کسانی هستند که پس از شنیدن سخنان، از گفتارهای پسندیده پیروی مینمایند.

۳- **افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع اهن لایهدی الا ان یرهدی** (یونس ۳۵). آیا کسی که بسوی حق هدایت میکند سزاوارتر برای پیروست یا کسی که خودش راه را پیدا نکرده و نیازمند برانها است.

دو قسمت دیگر از مطالبی که آیه با آنها اشاره نموده یکی عبارتست از مسئله معاد که در تفسیر آیه ۳۳ از همین سوره از آن بحث خواهد شد، دیگری عبارتست از آگاهی خداوند از کلیه کردار بشر، و روز رستاخیز پرونده اعمال از کج و کمترین عمل اطلاع خواهد داد و این قسمت در تفسیر آیه ۱۶ در شماره آینده بطور مشروح خواهد آمد.